

به‌خانه خوش آمدی، احمدخان

به مناسبت خاکسپاری مرحوم دکتر احمد اقتداری در زادگاهش «گراش»

آخرین بار وقتی بعد از دیدار چندساعته‌مان آمده بود تا ما دانشجویهای همشهری‌اش را تا در ورودی دایرةالمعارف بزرگ اسلامی بدرقه کند، یکی از بچه‌ها پرسید: استاد دیگر نمی‌آیید جنوب؟ به خانه سری نمی‌زنید؟ این ویژگی جذاب اقتداری بود که هر چند ۷۰ سال از او کوچک‌تریم، اما می‌توانیم با او بگوییم و بخندیم، مکنی کرد، خندید، گفت: دوست دارم بیایم، اما من دیگر آن‌جا کسی را ندارم، پدران شما شاگردان من بودند. رفقایم دیگر همه رفته‌اند. مرا هم دیگر آن‌جا کسی نمی‌شناسد. این را راست می‌گفت. اقتداری وقتی مُرد، تازه خیلی از هم‌سن و سال‌های من پرسیدند، او که بود؟ با وجود این ناشناسی، ما همه مردم گراش، مدیون اقتداری‌ایم و یک‌گام آن‌طرف‌تر همه مردم جنوب ایران و چه بسا هر آدمی که دل در گرو این خاک و این آب دارد، حالا برایتان می‌نویسم چگونه؟

اقتداری گفت «پدران شما شاگردان من بودند.» من اما می‌گویم نه تنها پدران ما حضور او را در آن خطه حس کردند، بلکه ما فرزندان ما نیز همه در مکتبی سواد آموخته‌ایم که احمد اقتداری بنایش را گذاشته است. همان ۷۰ سال پیش. او که در جوانی، رئیس فرهنگ لارستان و بنادر خلیج فارس شده بود در نخستین اقدام، پیگیر راه‌اندازی مدارس نوین در سراسر جنوب شد و بیش از ۲۳ مدرسه را در هرمزگان و بوشهر و فارس بنا نهاد. مدرسی که تا امروز هستند و فرهنگ و ادب را در جنوب اعتلا می‌دهند. شاید به همین علت است که می‌گویم هر کدام از ما جنوبی‌ها از آیشخور فرهنگی‌ای که اوسنگ بنایش را گذاشت، بهره‌ای برده‌ایم، ما و پدران ما و پدربزرگ‌های ما.

یاد

محمد امین نویهار
فعال فرهنگی



نمی‌دانیم وقتی این مناقشه در تاریخ آغاز شد، چه کسی پا به میدان گذاشت و این خاک و آب پرمنافشه را بازخوانی کرد؛ شهرها را خانه به خانه گشت و کاغذهای دست‌نویس را از زیر خروارها خاک بیرون کشید، تصحیح کرد و آنها را برپایمان خواند. اقتداری بود که نخستین بار کتیبه‌های

باستانی را نشانمان داد و گفت این نیلی موج، نامش خلیج فارس است. جنوب، خانه اقتداری بود. جایی که وجب به وجبش را با پای پیاده گشته بود، عکس برداشته بود و اسناد هویتی ما را از پستوی خانه‌های خشت و گلی بیرون کشیده بود. اقتداری و افشار، در هشتاد سالگی هم آرام نداشتند و پیگیر بودند. حتی تا همین اواخر؛ در سینه ادب فراوانش، زبان پرشوری داشت که حکایت‌های بسیاری درباره‌اش نقل می‌شود. از جملات تند و تیزش به سران دولت‌ها، به هرکسی که حتی واژه‌ای درباره ایران جا بیندازد. چه گریشمن فرانسوی باشد و چه شاه جوان ایران. من جوان بیننده امروز، اقتداری را اگر چه جز چندبار بیشتر ندیده‌ام و با او گپ نزده‌ام، اما هرگز او را در سکون نیافتادم. حرکت، وجه تمایز این نسل بود. نسل آدم‌های روش‌ساز و تفکرساز. نسل آدم‌هایی که از فراز تاریخ، جهان را می‌نگریستند و از همان زاویه دید است که اقتداری می‌گوید: «ایران می‌ماند، همچون ققنوس... تاریخ نشان داده است.»

او به خانه برگشت. در آرامشی که هیچ‌کس از او به‌خاطر ندارد و نه با پای پیاده، که سوار برمحمل ابدی‌اش. او به شهر کوچکش گراش بازگشت تا پس از یک قرن، در خانه آرام بگیرد، کنار انیس خانم، مادرش. در گورستانی خانوادگی و تاریخی. مردم شهر به انتظار نشسته‌اند تا به میزبانی‌اش بیایند، که روی سر برقه‌اش کنند. مردی که پس از رفتنش درست نمی‌دانیم چند کتاب دیگرش را باید بخوانیم تا او و عشق دیرین‌اش، ایران، را بشناسیم.

نغمه داوودساز

یادداشت‌هایی پیرامون ایران فرهنگی

شارحان و تعلیق‌نویسان کتاب مثنوی تانکون کنایه «گلولی خود گرفتن» را معنا نکرده‌اند. فرهنگ‌نویسان نیز تنها به دو معنی برای «گلو گرفتن» بسنده کرده‌اند: «خفه کردن» یا «انتقام گرفتن». به‌هرتقدیر ما برآنیم که «گلولی خود گرفتن» در ابیات زیر به معنای آماده شدن برای خواندن (صدای خود را صاف کردن) یا حتی آواز خواندن است:

پس ایاز مهرافزا! برجهید
پیش تخت آن آغ سلطان دودید
سجده‌ای کرد و گلولی خود گرفت
کای قبادی کز تو چرخ آرد شگفت
ای همایی که همایان، فرخی
از تو دارند و سخاوت هر سخی
این بیت‌ها در پایان قصه «ایاز و حجره داشتن او...» در دفتر پنجم مثنوی آمده‌اند. ما اکنون به نخستین ابیات این داستان بازمی‌گردیم. به گمان ما میان «عشیق» و «ساز» و «ایاز» تناسب برقرار است:

چه محل دارد به پیش این عشیق
لعل و یاقوت و زمردِ با عقیق؟

[...]
شاه شاهان است بلکه شاه‌ساز
وز برای چشم بد نامش ایاز

قصه محمود و اوصاف ایاز
چون شدم دیوانه رف افت اکنون ز ساز
باری، در محور عمودی این ابیات مجموعه‌ای از تداعی‌ها به چشم می‌رسد؛ چنانکه عشیق، عاشیق را فرایاد

تحشیه

سهند آقایی
پژوهشگر زبان
و ادب فارسی

می‌آورد و شاه‌ساز یا ساز (سامان) آلت نواختن را. توضیحش شایسته است که «عاشیق» به موسیقیدانان و شاعران دوره‌گرد بایاتی‌سرا اطلاق می‌شود. عاشیق‌ها در قدیم با کلماتی چون «بخشی» (نوازندگان شمال خراسان و ترکمن صحرا) و «دده» (روحانی) و «اوزان» خوانده می‌شدند.

در یادم هست که محمدرضا شفيعی‌دکنی سال‌ها قبل در کلاس «حافظ» به ایهام یا تبادر «بخشی» در مصراع «خوبان پارسی‌گو بخشندگان عمرند» اشاره کرد و نسخه بدل «ترکان پارسی‌گو» را نیز در آن بحث داخل کرد. واما «ایاز» یا ایاس (معشوق سلطان محمود) در این میان چه ارتباطی با ساز و آواز دارد؟ ما پیشتر دیدیم که او در پایان داستان سخنانی به آواز سر می‌دهد. همچنین به نظر می‌رسد معنای اصطلاحی «ایاز» نیز مورد توجه مولوی بوده است؛ چنانکه گمان می‌رود نظامی نیز در مخزن‌الاسرار میان «نغمه داوودساز» و «ایاز» تناسبی برقرار کرده است:

یافته در نغمه داوودساز
قصه محمود و حدیث ایاز
در فرهنگ لغات و اصطلاحات کتاب اوپانیشاد ذیل «ایاس» آمده است: «نام یکی از انگرس‌ها؛ مصنف بعضی از سروده‌های ریگ‌بید». همچنین در همان فرهنگ که به‌همت تاراچند و جلالی نائینی نگاشته شده، ذیل «انگرس» چندین معنی ذکر شده

است و آنچه به کار ما می‌آید این است: «نام روحانیونی که با به‌کاربردن اوراد سحرآمیز سروده‌های مذکور [اتهرون‌بید] قربانی را در قبال حوادث ناموافق حفظ می‌نمایند.» در اوپانیشادها آمده است: «آنکه ما [موکلان حواس] را به این مرتبه رسانیده کجاست؟ چون او را اصل همه یافتند نام او ایاس (به معنی آن کسی که در دهان مقام دارد) مقرر شد و انگرس نیز نام او از آن مقرر شد که پران



صحنه ای از دفتر پنجم مثنوی

زیده اعضا است، چه در لغت «انگ» اعضاء را گویند و «رس» زیده را.» به‌هرتقدیر به‌نظر می‌رسد که در گذشته برخی خنیاگران با نام‌های ایاس و انگرس خوانده می‌شده‌اند. آثانئوس (سده دوم میلادی) در کتاب خود «بزم فرزانگان» به نقل از کتاب «پرسیکا» اثر

عکس: ایرانیان

از تبریز تا بوشهر

این آخر هفته می‌توانید تماشاگر این نمایش‌ها باشید

■ **تبریزورقابت‌نمایشنامه‌نویسان در دوزیان ترکی وفارسی**
استان آذربایجان شرقی که سال گذشته از جشنواره‌ای جدید با عنوان الف رومایی کرد، امسال را با جشنواره ملی نمایشنامه‌نویسی «میرزاآقاتریری» آغاز کرده است. جشنواره‌ای که دوبخش متفاوت برای نمایشنامه‌های ترکی و فارسی دارد و گویا قرار است در تیر ماه امسال و ۱۴ تیرماه همزمان با روز قلم برگزیدگان‌ش را معرفی کند. جایزه جشنواره که به‌نام ایوب آقاخانی، درام نویس و کارگردان تئاتر کشور که ریشه‌ای آذری نیز دارد نام‌گذاری شده است، دو گروه داور دارد. نمایشنامه‌های فارسی را حمیدرضا نعیمی، عبدالحی شماسی و عطاالله کویال بررسی خواهند کرد و نمایشنامه‌های ترکی نیز با دآوری نادر برهانی مرند، اصغر نوری و سیروس همتی ارزیابی می‌شوند. دبیر این جشنواره سیروس مصطفی است و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان فرهنگی اجتماعی و ورزشی شهرداری تبریز، حوزه هنری، سازمان بسیج هنرمندان، مؤسسه بین‌المللی الف، دانشگاه ننی اکرم (ص)، انجمن هنرهای نمایشی، کمیسیون فرهنگی شورای شهر تبریز و اهالی رسانه استان از حامیان این جشنواره هستند اما آن را انجمن مردم نهاد دانش آموختگان تئاتر تبریز برگزار می‌کند.

■ **تئاتر مشهدو هفت نمایش روی صحنه**

هنرمندان تئاتر مشهد که اجرای عمومی نمایش‌هایشان را به برگزاری جشنواره‌های تئاتری ترجیح می‌دهند این روزها با هفت نمایش میزبان مخاطبان هستند.

«ماندارین» نمایشی به طراحی، نویسندگی و کارگردانی هادی محمدخانی، یک اثر موزیکال فیزیکال بدون دیالوگ است که در فضای موسیقی طراحی و تنظیم شده و به‌صورت سولواجرامی شود. داستان این نمایش تلاش انسان برای تبدیل شدن به چیزی است که در طول حیاتش برای آن تلاش می‌کند و در راستای همین تلاش به مسیری دیگر هدایت شده و مسخ می‌شود. ماندارین داستان تغییر است و زاده شدن... داستان جدا شدن از خود، برای پیوستن به خود.

عصرانه

حامد چیرودی
خبرنگار



عکس: حسین صدقی

امضای کتاب خود را در حضور حدود هزار نفر، خصوصاً هواداران پرسپولیس و جمعی از شاعران و هنرمندان در باغ کتاب تهران برگزار کرد. این موضوع بهانه‌ای شد تا به سراغ مصباح برویم و او در گفت‌وویی که با خبرنگار «ایران» داشت، در این خصوص صحبت کرد.

روی صحنه

زهر اشیانفشر
خبرنگار

چکامه

ندا سیجانی
خبرنگار

افتتاحیه جشنواره کن با فیلم جیم جارموش

غیر متعارف در سرزمین زامبی‌ها

چهره هفته

ومسال روحانی
منترجم

حتی برای جیم جارموش سینماگر مشهور و ۶۶ ساله زاده ایالت اوهایو امریکا هم شرکت در افتتاحیه کن، مهم‌ترین جشنواره سینمای جهان، افتخاری بزرگ است. این حرفی است که خود او اواسط این هفته در لس آنجلس خطاب به خبرنگاران گفت. «زندگی هنری من از همان آغاز با افسون کن همراه بوده و چه چیزی شیرین‌تر از اینکه این گرندهمایی ویژه با یک فیلم من آغاز شود.»

این اتفاق است که برای «مرده‌ها نمی‌میرند» جدیدترین فیلم جارموش در روز سه‌شنبه ۲۴ اردیبهشت ماه در کن روی می‌دهد و با این فیلم است که هفتاد و دومین جشنواره برطرفدار فرانسوی‌ها به گردش در می‌آید. «مرده‌ها نمی‌میرند» که یکی از ۱۹ فیلم بخش مسابقات جشنواره هم هست فیلمی عجیب و غریب و ترکیبی از حرکات

عکس: اسپنکاتور